

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پست:



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلَمُوا
دادنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره دادنامه: ۱۹۰۹

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۳/۱۱/۲۷

کلاس پرونده: ۱۳۹/۹۱



مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای مهرداد کاشانی اخوان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۳۰/۴/۶۵۴۴-

۱۳۷۸/۶/۱۳ و بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱-۱۰/۲۶-۱۳۸۴/۱۰/۲۶ معاون درآمد سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره

۳۰/۴/۶۵۴۴-۱۳۷۸/۶/۱۳ و بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱-۱۰/۲۶-۱۳۸۴/۱۰/۲۶ معاون درآمد سازمان امور مالیاتی کشور

را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" ریاست محترم دیوان عدالت اداری

موضوع دادخواست، ممنوعیت خروج غیر مودی به استناد ناصواب به ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم

با نهایت احترام، به استحضار عالی می رساند، قطع نظر از انقضای اعمال ممنوعیت خروج از حداکثر مهلت مقرر به

مدت یک سال، مندرج در بخشنامه شورای عالی اداری به شماره ۱۶۷۶۱/د/ش/۱-۱۵/۵/۱۳۷۴ با سازمان امور

مالیاتی کشور بدون توجه به مناقشات شرکاء مسؤل این شرکت (شرکت فروشگاههای بزرگ جام جم با مسؤلیت

محدود) مطروحه در مراجع ذی صلاح قانونی، رفع ممنوعیت خروج این جانب (به صورت موردی) به عنوان احدی از

مدیران مسؤل به صورت تضامنی بجا بیاید. بدهی قطعی مالیاتی شرکت (با مسؤلیت محدود)، با تعبیر اشتباه از قسمت

فوتوکپی رونوشت
جوان پور احمدی است
دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰۰/۴۶۰۱۰/۳

شعبه هشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری



تاریخ: ۱۳۸۰/۱۱/۲۷

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلَمُوا

دادنامه

آخر ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم (اصلاحی طبق ماده ۹۱ قانون مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷) و به استناد رأی عمومی شورای عالی مالیاتی مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۳، مبنی بر این که «مسئولیت تضامنی و ممنوع الخروجی مدیران اشخاص حقوقی که بدهی مالیاتی مربوط به دوران مدیریت آنها باشد، شمول عام بر همه این گونه مدیران دارد.» (که به نظر می رسد رأی مزبور مغایر با مراد مقنن است)، بدون احراز رابطه علیت با سبب (خطای مدیر) و در منابرت آشکار با نص صریح ماده ۱۹۸ همین قانون و ماده ۹۴ قانون تجارت، آن هم در حالی که، شرکت مزبور مالک (عرضه و اعیان) پلاکهای ثبتی ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ فرعی از ۳۳۸۱ اصلی، بخش ۱۱ تهران، واقع در نبش جنوبی بلوار شهید طاهری، خیابان ولیعصر، مقابل سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، به متراژ تقریبی ۱۸۹۰ مترمربع عرضه و ۵۱۱۲ مترمربع اعیانی است و بر اساس ماخذ ارزیابی کارشناس رسمی دادگستری، ارزش مازاد ملک متعلق به شرکت (در رهن بانک تجارت) حداقل معادل یکصد برابر (ده هزار درصد) بدهی مالیاتی مورد مطالبه است، را مناط به اخذ تضمین مضاعف کرده است!

در ضمن چون بدهی قطعی مالیاتی مزبور، صرف نظر از مسئولیت تضامنی مدیران، قبلاً پرداخت آن با اخذ سفته های ماهیانه از مودی واقعی (شخص حقوقی) به نحو اقساط مورد توافق قرار گرفته است و به لحاظ مناقشات شرکای شخص حقوقی، تنها مبالغ چند فقره از سفته های تسلیمی از طرف شرکت وصول شده و مابقی بلا وصول مانده است، مستنداً به رأی هیأت عمومی آن دیوان به شماره ۳۳۰-۱۳۸۹/۸/۱۰، در کلاس پرونده ۹۸۳/۸۷، (بر اساس نظریه فقهای شورای نگهبان) در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان اخذ تضمین به شرط وصول چکهای اصلی، الزام به پرداخت مبلغی زائد بر حق متعلق به سازمان امور مالیاتی است و از مصادیق «اکل مال به باطل» و مغایر شرع تشخیص داده شده است.

در عین حال، در ماهیت مقررات وضع شده در قانون مالیاتهای مستقیم (مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن) با امعان مراد مقنن از تبصره ها و مواد ۱۹۸ الی ۲۰۲ همین قانون و مستنداً به بخشنامه های وزرا و روسای سازمان امور

دیوان عدالت اداری
مدیر دفتر هیئت عمومی
دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰/۱۴۴۰/۱۰/۵



تاریخ: ۱۳۸۵

شماره:

پست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

مالیاتی کشور، وزارت امور اقتصادی و دارایی از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۸۴ همگی دایر بر الزام رعایت حقوق غیر مودی و عدم سلب آزادیهای فردی مدیران اشخاص حقوقی در رابطه با استفاده صحیح از ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم این طور استنباط می شود که منظور مقنن از قسمت آخر ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم جلوگیری از « فرار از دین» آن دسته از مدیران اشخاص حقوقی که قصد سوء استفاده از چتر حمایتی شخصیت حقوقی را دارند است و نه ایجاد تناقض صریح با مواد ۱۹۸ قانون مالیاتهای مستقیم و ماده ۹۴ قانون تجارت، به طور عام و عمومی و به طریق اولی نه در مورد شخصیت حقوقی که دارایی کافی دارد بنا به مراتب و مستندات فوق، به نظر می رسد که سازمان امور مالیاتی به جای انجام امور محوله (طبق مقررات) در جهت وصول مالیات معوقه از داراییهای مودی واقعی (شخص حقوقی) که مستلزم مدیریت قوی اجرایی و پیگیر و منظم آن سازمان است، مبادرت به اعمال فشار از حیث سلب آزادیهای فردی مدیران اشخاص حقوقی به صورت عام، (ممنوعیت خروج) نه به عنوان آخرین، بلکه به عنوان اولین و آخرین ابزار اجرایی وصول مالیات شخص حقوقی می نماید. لذا به نظر می رسد که بنا به قواعد فقهی « قبح عقاب بلایبان» و « لاضرر» این اقدام سازمان امور مالیاتی کشور، تعرض به حقوق اشخاص است و مراد مقنن نبوده و این وضعیت مغایر با قانون است. عنداللزوم، تقاضا دارد استفساریه ای در مورد مغایرت مفاد مواد ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم با ماده ۱۹۸ همین قانون و ماده ۹۴ قانون تجارت مربوط به مسؤلیت تضامنی مدیران اشخاص حقوقی، از معاونت قضایی ریاست مجلس شورای اسلامی، که در مقام بیان و تفسیح قوانین است، مراتب ابهام مورد پرسش قرار گیرد.

تبصره، علی رغم داراییهای ارزشمند شرکت مزبور، به سبب مناقشات شرکای مسؤل شرکت، تسویه بدهی مالیاتی مورد مطالبه، از محل واگذاری بخشی از داراییهای شرکت، از حیث اختیارات این جانب (مدیرعامل) به صورت منفرد، خارج است.

در پاسخ به استفسار رفع نقصی که در اجرای ماده ۳۸ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵، از طرف

شعبان بهشت (ضلع جری بارک شهر) دیوان عدالت اداری

مدیر دفتر هیئت عمومی
دیوان عدالت اداری

تاریخ: ۱۳۸۵/۰۷/۰۱



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای شاکی ارسال شده بود، وی به موجب لایحه شماره ۳۱۱۳-۱۳۹۱/۳/۹ پاسخ داده است که:

" سلام علیکم،

با نهایت احترام، در خصوص پرونده شماره ۹۰۰۰۶۱۶۰۷، حسب الامر توضیحات لازم با توجه به استناد این جانب به قواعد فقهی « قبح عقاب بلا بیان » و « لا ضرر » در مقام شکایت به استحضار آن قضات می رساند:

مستنداً به مقررات قانونی ناظر بر شرکتهای خصوصی از نوع « مسؤلیت محدود » احصاء شده در مواد ۹۴ الی ۱۱۵ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، بالاخص ماده ۹۴ همین قانون و به صراحت عبارت قانونی « با مسؤلیت محدود » در معرفی این نوع شرکت، شرکاء و مدیران این نوع شرکت تحت هیچ شرایطی، به استثناء اثبات وقوع جرم، با شخصیت حقوقی شرکت مزبور « مسؤلیت تضامنی » ندارند. در عین حال، قانون خاص موخر « قانون مالیاتهای مستقیم » مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۷۱ و ۱۳۸۰، نیز در ماده ۲۰۲ همین قانون، در خصوص مسؤلیت تضامنی شرکا و مدیران شرکتهای « با مسؤلیت محدود » مسکوت است. لذا نه تنها عملی و یا مسؤلیتی توسط قانون خاص مصوب ۱۳۶۶ در خصوص مسؤلیت تضامنی مدیران با شرکت مسؤلیت محدود به صراحت تکلیف نشده است، بلکه در اصلاحات بعدی قانون خاص مزبور نیز این صراحت منعکس نیست. لذا به استناد قلمرو وسیع قواعد فقهی « قبح عقاب بلا بیان » و « لا ضرر » را که در واقع « اصل قانونی بودن جرم و مجازات » را در بر می گیرد و به صراحت مفهوم مخالف آن در مواد قانونی مذکور در قانون تجارت، هرگونه مسؤلیت تضامنی شرکا و مدیران در شرکتهای از نوع « مسؤلیت محدود » از آنها سلب و ساقط شده است. بدیهی است قبول سمت، به عنوان مدیر، از طرف این جانب از بدو تاسیس (سال ۱۳۵۳) در شرکت (با مسؤلیت محدود) به شماره ثبت ۱۸۶۹۹، با توجه و اطمینان به عدم مسؤلیت تضامنی مدیران این نوع شرکت، بوده است. مضافاً این که مصداق قواعد فقهی فوق الذکر مانع از تعبیر مصلحتی و خاصی از قانون است که لزوماً قبل از اجرای آن می باید به طور صریح به اطلاع مکلف برسد، در غیر

سپاهان هشتاد و پنج جوی پارک شهر دیوان عدالت اداری

فرمانروای

مدیر دفتر هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری

شماره: ۱۳۸۰/۳/۹



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

این صورت اعمال مجازات شرعاً و قانوناً به شخص مرتکب عقلاً زشت و قبیح است.

در خاتمه متذکر می شود که شخصیت حقوقی شرکتهای خصوصی، بالاخص شرکتهای با مسئولیت محدود، جدا از شرکا و مدیران آن و مستقلاً صاحب «حق» و «تکلیف» است. در ضمن در این مورد خاص به استحضار آن مقام می رساند که شخصیت حقوقی شرکت بدهکار مالیاتی صاحب پلاکهای ثبتی ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ فرعی از ۳۳۸۱ اصلی، واقع در خیابان ولیعصر، مقابل صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران است که ارزش کارشناسی روز آن پاسخ گوی کلیه بدهیهای شرکت مزبور است.

بنا به مراتب فوق، عملکرد سازمان امور مالیاتی، مبنی بر ممنوعیت خروج مدیران شرکتهای با مسئولیت محدود، بابت بدهی مالیاتی شخصیت حقوقی این نوع شرکت، بدون اعلام و ابلاغ قبلی، از مصادیق بارز قواعد فقهی یاد شده در بالا است.

متعاقباً شاکی به موجب لایحه ای که به شماره ۳۷۶-۱۳۹۱/۳/۹ ثبت دفتر اندیکاتور هیأت عمومی دیوان عدالت اداری شده اعلام کرده است که:

" سلام علیکم،

با کمال احترام، بازگشت به اخطاریه صادر شده به پرونده کلاسه ۱۳۹/۹۱ و پیرو توضیحات رفع نقص اعلامی به شماره ۳۱۱۳-۱۳۹۱/۳/۹، ثبت شده به شماره هـ/۳۷۵ به استحضار آن هیأت عالی می رساند:

استناد به قواعد فقهی «قیح عقاب بلا بیان» و «لاضرر» از باب ادعای خلاف شرع بودن رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۳۰/۴/۶۵۴۴-۱۳۷۸/۶/۱۳، مورد استناد بخشنامه معاون درآمد امور مالیاتی کشور به شماره ۱۸۸۷۱-۱۳۸۴/۱۰/۲۶ است. بنابراین تقاضا دارد نظر فقهای شورای نگهبان در این خصوص اخذ و پرونده از حیث خلاف قانون و خلاف شرع بودن مورد رسیدگی قرار گیرد.

متن بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱-۱۳۸۴/۱۰/۲۶ به قرار زیر است:

فوتوس
رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
مدیر دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰۰/۲۲۰/۱۰/۵
خیابان هشت بهشت (محل جوی پارک شهر) دیوان عدالت اداری



تاریخ: ۱۳۸۰/۱۱/۲۷

شماره: ۱۳۸۰/۱۱/۲۷

پیوست: ۱

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلَمُوا

دادنامه

"گرچه در بخشنامه شماره ۱۱۴۲۵/۱۱۱۵۰/۲۱۰-۱۳۸۴/۶/۲۱ که در رابطه با احکام مواد ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ صادر شده راجع به مسؤولیت و اختیارات آخرین مدیران اشخاص حقوقی توجیهاتی به عمل آمده و ممنوع الخروج نمودن مدیرانی که حق امضای اوراق مالی و پرداختهای اشخاص حقوقی را نداشته، یا از اعضای غیر موظف هیأت مدیره اشخاص حقوقی بوده اند منع شده است، لیکن چون طبق رأی شماره ۱۳۷۸/۶/۱۳-۳۰/۴/۶۵۴۴ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مسؤولیت تضامنی و ممنوع الخروجی مدیران اشخاص حقوقی که بدهی مالیاتی مربوط به دوران مدیریت آنها باشد شمول عام بر همه این گونه مدیران دارد، لذا استتนา کردن بعضی از مدیران مذکور از بعضی دیگر و عدم اجرای حکم ماده ۲۰۲ در مورد بعضی از آنها وجهه قانونی ندارد و این امر باعث اختلاف در امر وصول حقوق حقه دولت خواهد شد.

بنابراین پاراگراف دوم و سوم بخشنامه یاد شده حذف و مقرر می دارد صرفاً در موارد خاصی که بنا به دلایل موجه و متعارف، رفع ممنوع الخروجی مدیر یا مدیران اشخاص مذکور ضرورت داشته باشد، مراتب از طریق مدیرکل امور مالیاتی ذی ربط به دفتر اینجانب گزارش شود تا پس از بررسی دستور اقدام مقتضی صادر گردد."

متن رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به قرار زیر است:

"رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی

گزارش مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۸ آقای ابوالقاسم گردانی مشاور معاون درآمدهای مالیاتی منظم به تصاویر نامه های شماره ۲۲/۱۰۵۱۹-۱۳۷۸/۴/۶ و ۳۲/۱۳۲۱۳-۱۳۷۸/۴/۲۶ اداره کل وصول و اجرای مالیاتهای تهران حسب ارجاع مورخ ۱۳۷۸/۴/۲۹ مقام اخیرالذکر، در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم در جلسه مورخ ۱۳۷۸/۶/۱۰ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح گردید.

اجمال موضوع مطروحه به قرار زیر است:

اداره کل وصول و اجرای مالیاتهای تهران با این اعتقاد که مدیران منتخب اشخاص حقوقی خصوصی با احراز سمت

رئیس هیأت مدیره

مدیر دفتر هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری

۱۳۸۰/۱۱/۲۷

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پوست:



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

مدیریت عامل، همان طور که مسؤول وصول مطالبات قبلی شرکت هستند، بنا بر همین قاعده مسؤول پرداخت دیون معوقه از جمله مالیاتهای قبلی شرکت نیز هستند، به منظور وصول مطالبات مالیاتی از شرکت بدهکار، علاوه بر ممنوع الخروج کردن اعضای هیأت مدیره و بازداشت قسمتی از اموال و تلفنهای شرکت، عملیات اجرایی را علیه شخصی که در سنوات بعد از سنوات تعلق مالیات دارای سمت مدیرعامل بوده است تسری داده و تلفنهای سیار وی را نیز بازداشت و قطع ارتباط کرده است، در حالی که مشاور عقیده دارد عمل اداره کل مزبور فاقد محمل قانونی است.

هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی با مطالعه سوابق امر و پس از بحث و تبادل نظر در اطراف و جوانب موضوع به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی اکثریت:

احکام مادتين ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه های بعدی آن در مورد مسؤولیت تضامنی و ممنوع الخروجی مدیران اشخاص حقوقی به تصریح متن مواد یاد شده منحصر به مدیرانی است که بدهی مالیاتی مربوط به دوران مدیریت آنها باشد و تسری احکام موصوف به مدیرانی که بدهی مالیاتی به دوران مدیریت آنها مربوط نبوده است، موجه نمی باشد. "

در پاسخ به شکایت شاکی، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره ۱۷-۲۱۲/۱۹۰-د/۱۳۹۱/۵/۲۲ توضیح داده است که:

" ۱- منشاء رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی بر این قاعده استوار بوده است، از آن جا که مدیران منتخب اشخاص حقوقی خصوصی با احراز سمت مدیریت عامل همان طور که مسؤول وصول مطالبات قبلی شرکت بوده بر این اساس مسؤول پرداخت دیون معوقه از جمله مالیاتهای قبلی شرکت نیز هستند که این موضوع در رأی اکثریت مطابق احکام مادتين ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه های بعدی آن در مورد مسؤولیت تضامنی و ممنوع الخروجی مدیران اشخاص حقوقی تصریح و آن را صرفاً به مدیرانی که بدهی مالیاتی

فروانی
رئیس هیأت عمومی
مدیر دفتر هیأت عمومی
تکوان عدالت اداری
۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۳۹۱/۵/۲۲



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلُوا

دادنامه

مربوط به دوران مدیریت آنها باشد منحصر کرده است و از طرفی بر اساس تصمیم هیأت عمومی تنها کسانی که در مدیریت شرکتها مدیرعامل بوده یا اختیارات امضایی مسائل مالی را دارند و به طور کلی مدیر مسؤول هستند و در مورد بدهیهای مالیاتی مسؤولیت داشته فقط این افراد را می توان ممنوع الخروج کرده و مجبور به پرداخت حق و حقوق دولتی کرد اما سایر اعضای هیأت مدیره را نمی توان محکوم به پرداخت بدهیها کرد که بر این اساس مطابق ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۷۱ که اشاره به مدیران مسؤول اشخاص حقوقی خصوصی داشته و نظر مقنن مدیراتی است که دارای اختیارات امضایی در مسائل مالی هستند و مفاد رأی شماره ۳۰/۴/۶۵۴۴-۱۳۷۸/۶/۱۳ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی نیز حاکی از شمول مواد ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم در تایید مطلب صرفاً راجع به مدیران مسؤولی است که بدهی مالیاتی شخص حقوقی مربوط به دوران مدیریت آنها بوده است.

۲- حسب مقررات قانون تجارت و اساسنامه های اشخاص حقوقی، منشاء و جواز حق امضای مدیران مزبور در اساس، منشعب از تصویب اولیه مسائل و موضوعات مرتبط با امور مالی و مالیاتی توسط اعضای هیأت مدیره و نهایتاً تفویض اختیارات لازم به مدیران مسؤول و صاحب امضا می باشد. مضافاً این که به موجب ماده ۱۲۲ قانون برنامه پنجم توسعه که در راستای مفاد مواد ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم تصویب شده مسؤولیت تضامنی مدیران مسؤول اشخاص حقوقی پس از انحلال به مدیران نسبت به زمان قبل از انحلال شخص حقوقی نیز گسترش و تعمیم یافته و این مسؤولیت مانع از مراجعه ضامنها به شخص حقوقی نیست.

۳- مطابق حکم ماده ۱۰۵ قانون تجارت مدیران شرکت کلیه اختیارات لازم را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت در نتیجه از آن جا که مطابق روزنامه رسمی دو نفر اعضای هیأت مدیره به صورت متفق همراه با مهر شرکت صاحب امضای قانونی شرکت بوده و عنوان مدیر مسؤول را دارند ملاً نسبت به پرداخت مالیات نیز مسؤولیت تضامنی داشته و با عنایت به این که در صورت خروج احد از دو نفر مزبور از کشور و به فرض عدم مراجعت وی امکان وصول طلب بدهی مالیاتی از باب تضامنی معتذر خواهد شد لذا وفق ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم این

مدیر دفتر هیأت عمومی

۳۰۰۰/۴۴/۶/۵



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

دو مدیر قابل ممنوع الخروجی هستند.

علی هذا، با عنایت به مفاد نامه پیوستی و توضیحات پیش گفته، مفاد رأی معترض عنه عیناً منطبق با مقررات و قوانین مالیاتی بوده و در حدود اختیارات صادر شده است با رعایت مندرجات فوق الذکر رسیدگی و رد شکایت بلاوجه خواهان و استواری رأی صادر شده از قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورد استدعاست.

شایان ذکر است در خصوص قسمتی دیگر از موضوع شکایت و خواسته خواهان مبنی بر ابطال بخشنامه سازمان مالیاتی کشور به شماره ۱۸۸۷۱-۱۳۸۴/۱۰/۲۶ اشعار می دارد که این بخشنامه به موجب دادنامه شماره ۷۳۶-

۱۳۸۷/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده و درخواست ابطال منتفی است. " در خصوص ادعای مغایرت مقررهای مورد اعتراض با شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به

موجب لایحه شماره ۱/۳۰/۴۸۳۳۱-۱۳۹۱/۷/۲۳ اعلام کرده است که:

" موضوع رأی هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی به شماره ۳۰/۴/۶۵۴۴-۱۳۷۸/۶/۱۳ و بخشنامه معاون درآمد سازمان امور مالیاتی کشور به شماره ۱۸۸۷۱-۱۳۸۴/۱۰/۲۶، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۹ فقهای معظم شورای

نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر فقهاء به شرح ذیل اعلام می گردد:

نظر به این که بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱-۱۳۸۴/۱۰/۲۶ قبلاً در مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۹ توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ابطال شده است، بنابراین با توجه به انتفاء موضوع موجبی برای شکایت از آن و بالمآل اظهار نظر نیست.

اما رأی شماره ۳۰/۴/۶۵۴۴-۱۳۷۸/۶/۱۳ هیأت عمومی شورای عالی مالیاتی نیز خلاف موازین شرع شناخته نشد. "

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان

تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می کند.

رأی هیأت عمومی

الف: نظر شورای نگهبان که قبلاً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب رأی شماره ۷۳۶-۱۳۸۷/۱۰/۲۹ حکم

دیوان عدالت اداری



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

به ابطال بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱-۱۳۸۴/۱۰/۲۶ سازمان امور مالیاتی کشور صادر کرده است، بنابراین شکایت شاکی در این قسمت مشمول رأی یاد شده است و موجبی برای رسیدگی و اظهار نظر مجدد وجود ندارد.

ب: نظر به این که به موجب ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۸۰ وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی می تواند از خروج مدیر یا مدیران مسؤول اشخاص حقوق خصوصی بابت بدهی قطعی مالیاتی شخص حقوقی از کشور جلوگیری کند و در رأی شماره ۷۳۶-۱۳۸۷/۱۰/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مدیر مسؤول در اشخاص حقوقی به مدیران صاحبان امضای شخص حقوقی تعبیر و تفسیر شده است، بنابراین اطلاق رأی شماره ۳۰۴/۶۵۴۴-۱۳۷۸/۶/۱۳ شورای عالی مالیاتی مبنی بر امکان ممنوع الخروجی مدیران اشخاص حقوقی بابت بدهی مالیاتی شخص حقوقی در دوران مدیریت آنها به لحاظ این که هم شامل مدیران مسؤول که صاحب امضای اسناد تعهد آور هستند می شود و هم مدیرانی که صاحب امضای اسناد تعهد آور نیستند را مشمول می شود، مغایر قانون و موجب توسعه حکم قانونگذار محسوب و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص داده می شود و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، ابطال می شود.

محمدجعفر منتظری

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

فکریت
روزنوستا
برای ارسال آگهی
مدیر دفتر هیأت عمومی
دیوان عدالت اداری
۱۳۸۴/۱۰/۲۶

۵/۲۳۰/۱۱۶۶۰

۱۳۹۲/۰۴/۳۰

دارد

سال " حماسه سیاسی. حماسه اقتصادی "

معاونت مالیاتهای مستقیم

بخشنامه

۰۴۶	۹۲	۲۰۲	م
-----	----	-----	---

مخاطبین / ذینفعان	امور مالیاتی شهر و آستان تهران ادارات کل امور مالیاتی
موضوع	ارسال رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری موضوع دادنامه شماره ۷۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ ارجاع به مقررات ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم
<p>به پیوست تصویر رای هیات عمومی دیوان عدالت اداری موضوع دادنامه شماره ۷۶۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۸ مبنی بر تایید بخشنامه شماره ۱۱۴۲۵/۱۱۱۱۵۰/۲۱ مورخ ۱۳۸۴/۶/۲۱ درارتباط با ممنوع الخروج نمودن مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی، جهت اطلاع و اقدام لازم ارسال و یادآوری می گردد.</p> <p>۱- نظریه اینکه بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۶ که متضمن حذف پاراگرافهای دوم و سوم بخشنامه شماره ۱۱۴۲۵/۱۱۱۱۵۰/۲۱ مورخ ۸۴/۶/۲۱ می باشد به موجب رای شماره ۷۳۶-۱۳۸۷/۱۰/۲۹ هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است، بنابراین بخشنامه شماره ۱۱۴۲۵/۱۱۱۱۵۰/۲۱ مورخ ۸۴/۶/۲۱ از تاریخ صدور رای مزبور اعتبار قانونی یافته و قابلیت اجراء دارد.</p> <p>۲- ضروری است ادارات یا واحدهای وصول و اجراء قبل از پیشنهاد ممنوع الخروج نمودن اشخاص، با ابلاغ اخطار، مراتب ممنوع الخروجی را به اطلاع مودی برسانند.</p> <p>۳- مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی موضوع ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ مدیرانی هستند که وفق مادتهای ۱۳۵ و ۱۴۲ قانون تجارت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت داشته و وظیفه اداره امور شخص حقوقی به عهده آنها بوده و اوراق مالیاتی و به تبع آن بدهی مالیاتی (صرف نظر از سال عملکرد) در دوران مدیریت آنان قطعی و یا ایجاد شده باشد، لذا با توجه به مفاد رای شماره ۱۳۵۴۳/۳۰/۴ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۵ هیات عمومی شورایعالی مالیاتی، اگر ختم دوره مدیریت مدیر قبلی در زمانی صورت گیرد که فرجه قانونی برای تسلیم اظهارنامه و صورت های مالی و یا ارسال مدارک مربوط به مالیاتهای تکلیفی و پرداخت مالیات های متعلق باقی باشد، مسئولیت و به تبع آن اعمال ضمانت اجرائی متوجه مدیر بعدی خواهد بود. همچنین بعنوان مثال چنانچه بدهی و مالیاتهای قطعی شرکت (صرفنظر از سال عملکرد آن) در دوران مدیریت مدیران قبلی تقسیط و چکهای مربوط به آن برای تادیه در سررسید مقرر تحویل اداره امور مالیاتی شده باشد، لیکن در دوران مدیریت مدیران بعدی وجوه آن تاسیس و پرداخت نگردد، مدیر یا مدیران بعدی مسئول بوده و اقدامات اجرائی قانونی بایستی نسبت به آنان صورت پذیرد.</p>	
<p>حسین وکیلی</p>	
تاریخ اجرا: لازم الاجرا شدن قانون	مدت اجرا: نامحدود
مراجع ناظر: دادستانی انتظامی مالیاتی	نحوه ی ابلاغ: فیزیکی/سیستمی
<p>* لطفاً هرگونه ابهام و توضیح را از طریق شماره ۳۹۹۰۳۳۶۸ یا دفتر تشخیص و حسابرسی مالیاتی مطرح و پیگیری نمایید.</p>	

شماره: ۱۲۸۷/۱۰/۲۹

تاریخ: ۱۲۸۷/۱۰/۲۹

کلاسسه پرونده: ۵۹/۸۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای شاهین فاضلي پناه.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱ مورخ ۱۲۸۷/۱۰/۲۹ سازمان امور مالیاتی کشور.

مقدمه: وکلاء شاکي بشرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته‌اند، علیرغم صراحت ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم، بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱ مورخ ۱۲۸۷/۱۰/۲۹ از سوی سازمان امور مالیاتی کشور صادر شده و به بهانه اینکه اجرای قانون و استثناء کردن برخی مدیران، یعنی «مدیران غیرمسئول» مشکلاتی را ایجاد کرده به قلمرو قانون توسعه داده و مسئولیت تضامنی مدیران و حق وزارتخانه مذکور به ممنوع الخروج کردن مدیران اشخاص حقوقی را به تمام مدیران شامل نموده و عملاً قید «مسئول» را از ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم نادیده گرفته است لذا ممنوع الخروج نمودن موکل براساس مطالباتی که صرفنظر از صحت و سقم آن دو الی سه سال بعد از خروج موکل از شرکت به شرکت یادشده تعلق پیدا نموده و قطعی شده است، برخلاف نص صریح ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم است. بنابراین تقاضای ابطال بخشنامه مذکور را می‌نمایم. مدیرکل دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور در پاسخ به شکایت فوق الذکر طی لایحه شماره ۲۱۲/۱۹۹۰۴ مورخ ۱۲۸۷/۷/۲۰ ضمن ارسال تصویرنامه‌های شماره ۲۰۲-۵۱۹۵ مورخ ۱۲۸۵/۴/۱۲ دادستانی انتظامی مالیاتی و ۲۱۱-۶۶۷۴۷ مورخ ۱۲۸۷/۷/۹ دفتر فنی مالیاتی اعلام داشته است، ۱- عبارت (مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی) مذکور در ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم، کلیه مدیران اشخاص حقوقی موضوع قانون تجارت را شامل می‌شود و سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند جهت وصول حقوق حقه دولت، حسب مورد نسبت به ممنوع الخروج نمودن مدیر یا مدیران مسئولی که طبق مقررات قانون تجارت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارند و طبق ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم بدهی قطعی مالیاتی مربوط به دوران مدیریت آنها می‌باشد اقدام نماید.

۲- باتوجه به اینکه حکم مقرر در ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم عام و کلی بوده و به مدیران اشخاص حقوقی شامل می‌شود ولی در پاراگراف‌های دوم و سوم بخشنامه شماره ۱۲۳۵/۱۱۵۰/۱۴۲۵ مورخ ۱۲۸۷/۶/۲۱ عده‌ای از مدیران اشخاص حقوقی مورد استثناء قرار گرفته بودند، لذا مجدداً با صدور بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱ مورخ ۱۲۸۷/۱۰/۲۹ پاراگراف‌های دوم و سوم بخشنامه شماره ۱۲۳۵/۱۱۵۰/۱۴۲۵ مورخ ۱۲۸۷/۶/۲۱ سازمان متبوع هیچگونه مغایرت و منافاتی با حکم مقرر در ماده ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم ندارد. مدیرکل فنی مالیاتی نیز در پاسخ به شکایت مذکور اعلام داشته‌اند، عبارت مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی مذکور در ماده قانونی یادشده عبارتی است عام و فراگیر، که همه مدیران اشخاص حقوقی موضوع قانون تجارت را شامل می‌شود. ضمن اینکه قید کلمه «یا» در بین دو کلمه «مدیر» و «مدیران مسئول» بیانگر این موضوع است که وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند با رعایت مقررات موضوع فصل نهم از باب چهارم قانون مالیاتهای مستقیم و آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۸ قانون مذکور، اقدامات اجرایی را در جهت وصول مطالبات دولت بعمل آورده و عنداللزوم به منظور جلوگیری از تضییع حقوق دولت، حسب مورد نسبت به ممنوع الخروج نمودن مدیر یا مدیران مسئولی که به موجب مواد ۱۲۵ و ۱۴۲ قانون تجارت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت دارند و مطابق حکم ماده ۲۰۲ قانون صدرالذکر بابت بدهی مالیاتی شخص حقوقی مربوط به دوران مدیریت آنان، اقدام نماید. هیأت عمومی دیوان در تاریخ فوق با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

طبق ماده ۱۹۸ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم « در شرکت‌های منحل، مدیران اشخاص حقوقی مجتمعاً یا منفرداً نسبت به پرداخت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی و همچنین مالیات‌هایی که اشخاص حقوقی به موجب مقررات این قانون مکلف به کسر و ابطال آن بوده و مربوط به دوران مدیریت آنها باشد یا شخص حقوقی مسئولیت تضامنی خواهند داشت» و در ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مزبور نیز تصریح شده است که وزارت امور اقتصادی و دارایی و یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند از خروج مدیر یا مدیران مسئول اشخاص حقوقی خصوصی بابت بدهی مالیاتی شخص حقوقی در دوران آن مدیریت آنان جلوگیری به عمل آورد. نظر به تعریف مدیر یا مدیران شخص حقوقی خصوصی بر اساس احکام قانون تجارت و توجه مسئولیت پرداخت مالیات به مدیران صاحب امضاء و ذیصلاح و مسئول در زمینه پرداخت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی در دوران تصدی آنان، اطلاق بخشنامه شماره ۱۸۸۷۱ مورخ ۱۰/۳۶/۱۳۸۴ سازمان امور مالیاتی از حیث تعمیم و تسری حکم مقرر در ماده ۲۰۲ اصلاحی قانون مالیاتهای مستقیم به مدیران اشخاص حقوقی که مسئولیتی در خصوص مورد ندارند، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان امور مالیاتی تشخیص داده می‌شود به استناد قسمت دوم اصل ۱۷۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ماده یک و بند یک ماده ۱۹ و ماده ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رهبرپور

معاونت قضائی دیوان عدالت اداری

فارسی | English

چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۹۴

الأربعاء ۸ شعبان ۱۴۲۶

Wednesday, May 27, 2015

صفحه نخست
حسنجو در پایگاه قوانین
مردان بداند
سایه‌های مرتبط
ارتباط نا ما
اخبار
گالری عکس
مزایده و مناقصه
سامانه رسیدگی به شکایات
و ارتباطات مردمی



لطفا برای چاپ از منوی فایل گزینه چاپ را انتخاب نمائید
سازمان امور مالیاتی کشور
www.intamedia.ir
نازگشت به صفحه اصلی

نوع: بخشنامه

مواد مرتبط با مالیاتهای مستقیم: 198, 202

شماره: 18871

تاریخ: 1384/10/26

پوست: ندارد

اداره کل امور مالیاتی استان

شورای عالی مالیاتی

اداره کل

دفتر فنی مالیاتی

دفتر

هیات عالی انتظامی مالیاتی

دبیرخانه هیات های موضوع ماده 251 مکرر

دادستانی انتظامی مالیاتی

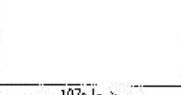
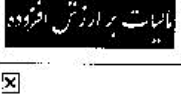
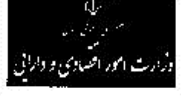
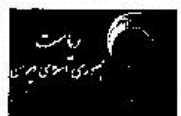
گرچه در بخشنامه شماره 11425/11150/210 مورخ 1384/6/21 که در رابطه با احکام مواد 198 و 202 قانون مالیات های مستقیم مصوب 1380/11/27 صادر گردیده راجع به مسئولیت و اختیارات آخرین مدیران اشخاص حقوقی توجهاتی بعمل آمده و ممنوع الخروج نمودن مدیرانی که حق امضای اوراق مالی و پرداخت های اشخاص حقوقی را نداشته، با از اعزاء غیر موظف هیات مدیره اشخاص حقوقی بوده اند منع شده است، لیکن چون طبق رأی شماره 4/6544-30/4/78/6/13 هیات عمومی شورای مالیاتی مسئولیت تضامنی و ممنوع الخروجی مدیران اشخاص حقوقی که بدهی مالیاتی مربوط به دوران مدیریت آنها باشد شمول عام بر همه اینگونه مدیران دارد، لذا استثنا کردن بعضی از مدیران مذکور از بعضی دیگر و عدم اجرای حکم ماده 202 در مورد بعضی از آنها وجهه قانونی ندارد و این امر باعث اختلاف در امر وصول حقوق حقه دولت خواهد شد.

بنابراین پاراگراف دوم و سوم بخشنامه یاد شده حذف و مقرر می دارد صرفاً در موارد خاصی که بنا به دلایل موجه و متعارف بر رفع ممنوع الخروجی مدیران اشخاص مذکور ضرورت داشته باشد، مراتب از طریق مدیر کل امور مالیاتی ذریعاً به دفتر اینجانب گزارش شود تا پس از بررسی دستور اقدام مقتضی صادر گردد.

علی اکبر عرب مازار
رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

(بخشنامه شماره 18871 مورخ 84/10/26 بموجب دادنامه شماره 736 - 87/10/29 هیات عمومی دیوان عدالت اداری ابطال گردیده است)

تاریخ چاپ: ۱۳۹۴ / ۳ / ۶



شماره
تاریخ
هیئت

بسمه تعالی



وزارت امور اقتصادی و دارایی

رای هیات عمومی شورای عالی مالیاتی

۳۰/۴/۸۵۴۴
۷۸/۴/۱۰

گزارش مورخ ۷۸/۴/۲۸ آقای ابوالقاسم کردانی مشاور معاون محترم درآمدهای مالیاتی منضم به تصاویر نامه های شماره ۲۲/۱۰۵۱۹ مورخ ۷۸/۴/۴ و ۲۲/۱۳۲۱۳ مورخ ۷۸/۴/۲۶ اداره کل وصول و اجراء مالیاتهای تهران حسب ارجاع مورخ ۷۸/۴/۲۹ مقام اخیرالذکر، در اجرای بند ۳ ماده ۲۵۵ قانون مالیاتهای مستقیم در جلسه مورخ ۷۸/۴/۱۰ هیات عمومی شورای عالی مالیاتی مطرح گردید .

اجمال موضوع مطروحه بقراریز است .
اداره کل وصول و اجراء مالیاتهای تهران با این اعتقاد که مدیران منتخب اشخاص حقوقی خصوصی با اجزاز سمت مدیریت عامل ، همانطور که مسئول وصول مطالبات قبلی شرکت هستند ، بنابراین قاعده مسئول پرداخت دیون معوقه از جمله مالیاتهای قبلی شرکت نیز میباشد ، بمنظور وصول مطالبات مالیاتی از شرکت بدهکار ، علاوه بر ممنوع الخروج کردن اعضاء هیات مدیره و بازداشت قسمتی از اموال و تلفنهای شرکت ، عملیات اجرائی را علیه شخصی که در سنوات پست از سنوات تعلق مالیات دارای سمت مدیر عامل بوده است تشریح داده و تلفنهای سیار وی را نیز بازداشت و قطع ارتباط کرده است ، در حالیکه مشاور محترم عقیده دارد عمل اداره کل مزبور فاقد محمل قانونی است .
هیات عمومی شورای عالی مالیاتی با مطالعه سوابق امر و پس از بحث و تبادل نظر در اطراف وجوئب موضوع بشرح آتی مبادرت به صدور رای مینماید :

رای اکثریت :
احکام ماده ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیاتهای مستقیم موقوف استغداد ماه ۱۳۴۶ و اصلاحیه های بعدی آن در مورد مسئولیت تضامنی و ممنوع الخروجی مدیران اشخاص حقوقی بتمریح متن مواد یاد شده منحصر به مدیرانی است که بدهی مالیاتی مربوط به دوران مدیریت آنها باشد و تشریح احکام موصوف به مدیرانی که بدهی مالیاتی به دوران مدیریت آنها مربوط نبوده است ، موجه نمینماید .

محمد وزالی
محمد علی نعیب زاده
محمد علی بیگ
داریوش آل انسا
علی اکبر سنبل
غلامحسن هادی بیگ عبدی
امیر بختیاری
نظر اقلیت :

بنظر اینجانب حکم مواد ۱۹۸ و ۲۰۲ تا زمانی که مدیریت مدیران با مدیران ادامه دارد قابل اجراء میباشد .

علی اکبر نوربخش